

## مجمع عمومی عادی سالانه

## کمیته ایرانی اتاق بازرگانی

### بین‌المللی

روز چهارشنبه مورخ ۲۹ شهریورماه

۱۳۹۱ برگزار می‌شود

مجمع عمومی عادی سالانه کمیته ایرانی اتاق بازرگانی بین‌المللی روز چهارشنبه ۲۹ شهریور ماه ۱۳۹۱ ساعت ۳ بعدازظهر در سالن طبقه هشتم اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران برگزار می‌شود.

#### دستور جلسه:

۱. ارائه، بررسی و تصویب گزارش عملکرد و گزارش مالی سال ۱۳۹۰
۲. تجدید انتخاب یک سوم اعضای شورای کمیته ایرانی ICC
۳. انتخاب بازرس
۴. سایر موارد

توجه: مجمع عمومی عادی کمیته ایرانی ICC با حضور حداقل ۵۰٪ اعضاء رسمیت می‌یابد و در صورت عدم احراز اکثریت، مجمع پس از نیم ساعت با تعداد اعضای حاضر، رسمی خواهد بود (ماده ۶-۵ اساسنامه).

#### در این شماره می‌خوانید:

- مجمع عمومی عادی سالانه کمیته ایرانی اتاق ICC برگزار می‌شود
  - دومین نشست پرسش و پاسخ دفتر خدمات مشورتی کمیته ایرانی ICC
  - اخبار کمیته ایرانی ICC
  - پرونده جدید مؤسسه کسب و کار ICC به «تعامل طرفین در داوری بین‌المللی» می‌پردازد
  - تعیین بودجه شخص ثالث و داوری بین‌المللی، در نشست سالانه مؤسسه قانونگذاری کسب و کار جهانی ICC بررسی می‌شود
  - فراخوان سمینار اعتباراسنادی قابل انتقال چیست؟ اعتبار اسنادی اتکایی کدام است؟
  - رویدادهای ICC
  - درس‌هایی از یک پرونده، پاسخ‌های رسیده و پی‌نوشت‌های نویسنده ...
  - معرفی کتاب: «مقررات متحدالشکل اتاق بازرگانی بین‌المللی برای پوشش اعتبارات اسنادی»
- ویژه نامه مقالات اقتصادی، شماره ۷، شهریور ماه ۱۳۹۱

## دومین نشست پرسش و پاسخ دفتر خدمات مشورتی ICC IRAN



کمیته ایرانی اتاق بازرگانی بین‌المللی، با اشراف به مشکلات کنونی بازرگانی و بانکی کشور در گستره جهانی و به منظور ارائه راه‌حل‌های کارشناسی سازگار با مقررات اتاق بازرگانی بین‌المللی (ICC)، اقدام به تأسیس دفتری جهت بررسی و مشاوره مشکلات مبتلا به فعالان بازرگانی خارجی نموده است.

این دفتر از فروردین ماه سال ۱۳۹۰ به نام «دفتر خدمات مشورتی کمیته ایرانی اتاق بازرگانی بین‌المللی» در محل اتاق بازرگانی و صنایع و معادن و کشاورزی تهران راه‌اندازی شد و طی یک سال و نیم گذشته موفق به حل پاره‌ای از مسائل و مشکلات بانکی و تجاری بازرگانان از طریق گفتگو و ارائه راه‌حل‌های کارشناسی متکی بر اصول حرفه‌ای گردیده است.

اینک دفتر مذکور به منظور حفظ منافع حرفه‌ای اعضا و دست‌اندرکاران عرصه‌های گوناگون بازرگانی بین‌المللی و بهره‌گیری بهینه از توان کارشناسی موجود در بدنه کمیسیون‌های تخصصی و خدمات مشورتی کمیته ایرانی اتاق بازرگانی بین‌المللی، آمادگی برگزاری نشست‌های پرسش و پاسخ برای گشایش مشکلات ایجاد شده را دارد.

به همین منظور، از علاقمندان دعوت می‌شود که در دومین نشست پرسش و پاسخ کمیته ایرانی اتاق بازرگانی بین‌المللی شرکت فرمایند.

محل و زمان برگزاری: اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران - طبقه سوم - سالن کنفرانس؛ چهارشنبه ۵ مهر ساعت ۱۶ - ۱۴

کارشناسان: آقای افشار، دبیر کمیسیون حمل و نقل و خدمات پشتیبانی و آقای مجید زند میرآلود، مشاور ارشد خدمات مشورتی کمیته ایرانی ICC

موضوع جلسه: مسائل و مشکلات حمل و نقل و تامین منابع مالی (Transportation & Trade Finance Problems)

در صورت داشتن هر گونه پرسش با بخش خدمات مشورتی تماس حاصل فرمایید.

تلفن: +۹۸۲۱-۸۸۷۲۸۰۷۷

فاکس: +۹۸۲۱-۸۸۷۲۸۵۷۶

پست الکترونیکی: [ettehadieh@icc-iran.com](mailto:ettehadieh@icc-iran.com)

هماهنگ کننده: خانم اتحادیه

## اخبار کمیته ایرانی ICC

### برگزاری جلسه کمیسیون اقتصاد دیجیتال کمیته ایرانی ICC

کمیسیون اقتصاد دیجیتال کمیته ایرانی اتاق بازرگانی بین‌المللی در روز دوشنبه مورخ ۱۳۹۱/۰۶/۲۷ ساعت ۱۴ الی ۱۶، به ریاست دکتر احمد عبدالله‌زاده، دبیر کمیسیون اقتصاد دیجیتال کمیته ایرانی ICC، در ساختمان شمالی اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران تشکیل جلسه خواهد داد.

رئوس مطرح در جلسه فوق به شرح ذیل خواهد بود:

۱. ارائه اخبار ICC در کمیسیون اقتصاد دیجیتال

۲. فعالیت کمیسیون اقتصاد دیجیتال در اجلاس منطقه‌ای ICC

۳. بحث و تبادل نظر در رابطه با طرح تجاری پروژه VPN

۴. گزارش جلسه کمیسیون بیمه کمیته ایرانی ICC در موضوع بررسی نقش بیمه در تراکنش‌های الکترونیکی

### کمیسیون بیمه کمیته ایرانی ICC تشکیل جلسه می‌دهد

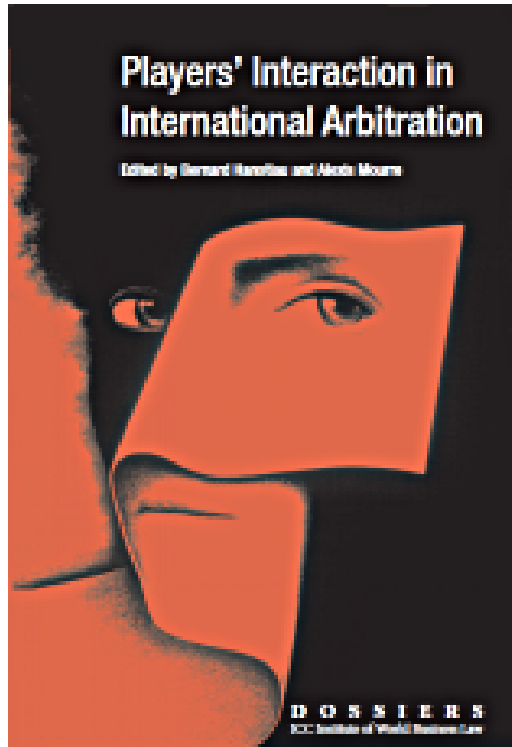
جلسه کمیسیون بیمه کمیته ایرانی بین‌المللی (ICC)، ساعت ۸:۳۰ روز دوشنبه مورخ ۱۳۹۱/۰۶/۲۷ در ساختمان شمالی اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران برگزار خواهد شد.

در این جلسه که به ریاست دبیر کمیسیون بیمه کمیته ایرانی (ICC)، دکتر نادر مظلومی و با حضور اعضای این کمیسیون برگزار خواهد شد، به بازبینی نتایج برنامه اصلاح نظام تعرفه بازار بیمه و مسایل روز صنعت بیمه: «تغییرات آیین نامه نمایندگی» پرداخته می‌شود.

### کمیسیون حمل و نقل و خدمات پشتیبانی کمیته ایرانی ICC تشکیل جلسه می‌دهد

کمیسیون حمل و نقل کمیته ایرانی اتاق بازرگانی بین‌المللی (ICC) به ریاست محمود رستم افشار، دبیر کمیسیون ذکر شده، در روز دوشنبه مورخ ۱۳۹۱/۰۶/۲۷ ساعت ۱۴:۳۰ در طبقه اول اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران تشکیل جلسه می‌دهد. گزارش و بررسی اخبار حمل و نقل و اعلام الویت همایش‌های کمیسیون حمل و نقل در سال ۱۳۹۱ محورهای این نشست خواهند بود.

## پرونده جدید مؤسسه کسب و کار ICC به «تعامل طرفین در داوری بین‌المللی» می‌پردازد



مؤسسه قوانین کسب و کار جهانی ICC، نشریه‌ای را تحت عنوان «تعامل طرفین در داوری بین‌المللی» منتشر ساخت. در این نشریه، بر نحوه عملکرد طرفین اصلی در پرونده‌های داوری - و نحوه تعامل آنها - تأکید شده است که این امر، در حالی که باعث کاهش تأخیرها و هزینه‌ها می‌شود می‌تواند به برقراری عدالت نیز کمک کند.

نهمین نشریه از مجموعه نشریات مربوط به پرونده‌های داوری، شامل تحلیل موضوعی و پیشنهادهایی از داوران و فعالان برجسته عرصه بین‌المللی است.

ایوز درینز (Yves Derains)، رئیس مؤسسه قوانین کسب و کار جهانی و عضو کانون وکلای پاریس گفت: «قرار است، نشریه نهم به اثری پربار در مجموعه نشریات مؤسسه تبدیل شود. این کتاب، منبعی غنی از اطلاعات لازم برای هر فرد فعال در زمینه داوری (که روز به روز پیچیده‌تر شده) بین‌المللی است.

برنارد هنوشیو (Bernard Hanotiau)، سردبیر و عضو شورای مؤسسه کسب و کار ICC و الکسیس مور (Alexis Mourre) نایب

رئیس شورای مؤسسه کسب و کار ICC، امیدوارند که مطالعه نهمین جلد از این مجموعه نشریات به هماهنگ‌تر، سریع‌تر و مقرون به صرفه‌تر شدن روند داوری کمک کرده و انتظارات مشروع طرفین را مورد توجه قرار دهد.

نشریه «تعامل طرفین داوری بین‌المللی» حاوی ۴ محور اصلی است:

- وظایفی که وکلا و طرفین در برابر یکدیگر و نسبت به دادگاه داوری دارند؛
- عملکرد کارآمد دادگاه داوری؛
- نقش و ارزش مؤسسات حقوقی؛
- میزان انتظارات طرفین داوری بین‌المللی در مواجهه با روند داوری و کاربران آن.

این نشریات شامل نتایج نشست‌های سالانه قوانین کسب و کار جهانی ICC می‌باشد، نشست‌هایی که به منظور بررسی مسائل برجسته قانون تجاری بین‌المللی کارشناسان را از سراسر جهان گرد هم می‌آورد.

نشست سالانه امسال بر «تعیین بودجه شخص ثالث در داوری بین‌المللی» تأکید خواهد داشت. این نشست، در تاریخ بیست و ششم ماه نوامبر سال ۲۰۱۲ مطابق با ششم آذر ماه سال ۱۳۹۱، در دفتر مرکزی ICC واقع در پاریس تشکیل جلسه خواهد داد.

جهت دانلود برنامه ۳۲ امین نشست سالانه مؤسسه قانونگذاری کسب و کار جهانی ICC به آدرس زیر مراجعه فرمایید:

<http://www.iccwbo.org/Training-and-Events/All-events/Events/32nd-Annual-Meeting-of-the-ICC-Institute-of-World-Business-Law/>

## تعیین بودجه شخص ثالث و داوری بین‌المللی،

### در نشست سالانه مؤسسه قوانین کسب و کار جهانی ICC بررسی می‌شود

مؤسسه قوانین کسب و کار جهانی قرار است در سی و دومین نشست سالانه خود که در بیست و ششمین روز از ماه نوامبر ۲۰۱۲ برابر با ششم آذر ماه سال ۱۳۹۱ در پاریس برگزار می‌شود، به بحث پیرامون چالش‌های به کارگیری تعیین بودجه شخص ثالث برای جبران افزایش هزینه‌های داوری بپردازد.

با توجه به رشد بالای سرمایه‌گذاری جهانی و اختلافات تجاری، گرچه تعیین بودجه شخص ثالث در داوری تجاری به روندی معمول تبدیل گشته، اما با مخالفت‌هایی نیز روبرو بوده است. مؤسسه قوانین کسب و کار جهانی، برای بررسی مسائل و روش‌های تعیین بودجه در برخی موارد، تعدادی از کارشناسان برجسته حقوق و کسب و کار جهانی را در نشست سالانه خود تحت عنوان «تعیین بودجه شخص ثالث در داوری بین‌المللی» گرد هم می‌آورد.

برنارد م. سرمادس (Bernardo M. Cremades)، یکی از مؤسسان B. Cremades y Asociados، عضو شورای اسپانیایی مؤسسه قوانین کسب و کار جهانی ICC و یکی از رؤسای نشست سال جاری، گفت: «بهره‌مندی از داوری هزینه‌بر بوده و مسائل تعیین بودجه آن توسط اشخاص ثالث، سوالات حساسی را مطرح می‌کند.»



آقای سرمادس افزود: «در حالی که کشورهای آنگلو ساکسون آنها را پذیرفته‌اند، کشورهای قاره‌ای دیگر با تردید به ادامه راه‌حل‌ها نگاه می‌کنند. نشست سال جاری، فرصتی را برای بررسی ملاحظات برخی کشورها و تکنیک‌های به کار گرفته شده توسط گروهی دیگر از کشورها از طریق تجربه آنها در این زمینه پدید آورده است.»

در این کنفرانس یک‌روزه، موضوعاتی مانند: «تصمیم به سرمایه‌گذاری در زمینه مطالبات»، مشتمل بر مسائل اخلاقی، محرمانه بودن، شفافیت و امتیازات وکیل و موکل»، «نقش تأمین‌کنندگان مالی در رسیدگی‌ها»، «تعیین بودجه شخص ثالث و دادرسی جنسی» مورد بحث واقع خواهد شد.

مباحث مطرح در این کنفرانس، با ترجمه همزمان به دو زبان انگلیسی و فرانسه ارائه خواهند شد.

آنتونیاس دیمولیتسا (Antonias Dimolitsa)، یکی از مؤسسين A. Dimolitsa & Associates در یونان، نایب رئیس مؤسسه قانونگذاری کسب و کار جهانی و دیگر رئیس نشست گفت: «بیش از ۳۰ سال است که مؤسسه قوانین کسب و کار جهانی ICC، برترین نخبگان حقوقی را برای تقویت ارتباط بین فعالین کسب و کار بین‌المللی و مشاغل حقوقی گرد هم می‌آورد. نشست سالانه امسال (۲۰۱۲)، فرصتی برای مشاهده ظهور و روش‌های تعیین بودجه شخص ثالث می‌باشد که از طریق سازگاری با اصول اولیه در داوری بین‌المللی توسعه یافته و حقوق تمامی شرکت‌کنندگان و وحدت و یکپارچگی فرآیند داوری را تضمین می‌کند.»

وکلا، حقوقدانان، قضات، دانشگاهیان و وکلای شرکت‌ها از افراد فعال در تجارت و حل اختلافات بین‌المللی هستند که از آنها جهت حضور در این نشست دعوت به عمل آمده است.

مجموعه مقالات کنفرانس سال جاری در مجموعه نشریاتی تحت عنوان «پرونده‌هایی از مؤسسه» منتشر و برای ثبت‌نام‌کنندگان فرستاده خواهد شد.

جهت کسب اطلاعات بیشتر به لینک زیر مراجعه فرمایید:

## فراخوان سمینار اعتبار اسنادی قابل انتقال چیست؟ اعتبار اسنادی اتکایی کدام است؟



مقررات متحدالشکل اعتبار اسنادی UCP600 مقرراتی است که اگر شمول آن در اعتبار درخواست شده باشد، در مورد هر اعتبار لازم الاجرا است. این مقررات برای همه طرف‌های ذی‌ربط الزام‌آور است، مگر این که صریحاً در شرایط اعتبار اصلاح یا مستثنی شده باشد.

اعتبار اسنادی قابل انتقال معمولاً هنگامی مورد استفاده قرار می‌گیرد که ذی نفع اعتبار، تمام یا قسمتی از کالای مورد اعتبار را تهیه نمی‌کند و لذا مایل است بخشی یا تمام مسئولیت‌ها و حقوق خود را به ذی نفع دیگری که کالا را تهیه می‌کند، انتقال دهد.

در این حالت متقاضی، راه کار ایجاد یک اعتبار اسنادی قابل انتقال را به بانک گشایش کننده ارایه می‌کند.

**اعتبار قابل انتقال:** اعتباری است که «قابل انتقال» بودن آن مشخصاً در اعتبار ذکر شود. اعتبار قابل انتقال ممکن است بنا بر درخواست ذی نفع کلاً یا جزئاً در اختیار ذی نفع دیگر (ذی نفع دوم) قرار گیرد.

از مزایای اعتبار قابل انتقال؛ آن است که قسمتی از اعتبار اسنادی به هریک از تولید کنندگان منتقل می‌شود. همچنین ذینفع دوم با ارایه اسناد مطابق به بانکی که اعتبار نزد او قابل استفاده است وجه را طبق شرایط اعتبار دریافت می‌کند.

**اعتبار اتکایی:** در پاره‌ای موارد متقاضی نمی‌تواند با افتتاح اعتبار قابل انتقال موافقت کند زیرا:

شرایط موافقت نامه‌های منعقد شده بین خریدار و تولید کننده متفاوت بوده و نمی‌تواند نیازهای طرفین را برطرف کند و یا خریدار و فروشنده نهایی مایل نیستند که مخاطرات موجود در اعتبارات قابل انتقال را بپذیرد. در چنین شرایطی، یک اعتبار اتکایی شاید بتواند جایگزین مناسبی باشد.

در این سمینار که برای آشنایی دست‌اندرکاران شبکه بانکی و عملیات ارزی، حمل و نقل کنندگان، صاحبان کالاها، صادرکنندگان و واردکنندگان محصولات، با موارد فوق، تنظیم شده، سعی گردیده تا با مروری در مواد مختلف UCP600 برای شرکت کنندگان روشن ساخته و با توجه به توصیه‌های ICC از بروز اختلافاتی که از این بابت دامن‌گیر دست‌اندرکاران یا کاربران اعتبار اسنادی و حمل و نقل بین‌المللی می‌گردد جلوگیری به عمل آورد.

کمیسیون بانکداری کمیته ایرانی اتاق بازرگانی بین‌المللی (ICC) در نظر دارد سمیناری را تحت عنوان «اعتبار اسنادی قابل انتقال چیست؟ اعتبار اسنادی اتکایی کدام است؟» برگزار نماید.

سخنرانان: سرکار خانم فریده تذهیبی - جناب آقای فریدون شیرازی

زمان: یکشنبه، ۲ مهر ماه ۱۳۹۱ ساعت: ۸:۳۰ الی ۱۲:۳۰

محل برگزاری: خیابان طالقانی شماره ۱۷۵، اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران

ارتباط با دبیرخانه: تلفن: ۸۸۸۹۹۲۸۳ فکس: ۸۸۸۹۳۰۸۴ ایمیل: ICCIran@icc-iran.com

از علاقمندان دعوت می‌شود برای نام‌نویسی در سمینار فوق، هزینه شرکت در سمینار (مبلغ ۹۵۰,۰۰۰ ریال برای اعضای کمیته ایرانی و ۱,۲۰۰,۰۰۰ ریال برای غیراعضا) را حداکثر تا تاریخ چهارشنبه ۲۹ شهریور ۱۳۹۱ به شماره حساب ۱۵۵۰۰۵۰۰۹۲۰۰۹۲ شناسه ۹۱۰۷/۰۸ نزد بانک ملت شعبه وزارت نفت (کد ۶۳۲۵/۵۵) به نام کمیته ایرانی اتاق بازرگانی بین‌المللی واریز و اسامی شرکت کنندگان را به همراه تصویر فیش واریزی به دبیرخانه کمیته ایرانی ارسال کنند.

## رویدادهای ICC

### برگزاری نشست انجمن کسب و کار شرق و غرب



انجمن سالانه کسب و کار شرق و غرب، نشست را در روزهای سه شنبه و چهارشنبه ۱۸ و ۱۹ ماه سپتامبر سال ۲۰۱۲، برابر با ۲۷ و ۲۸ شهریور ماه ۱۳۹۱، در شهر پراگ (جمهوری چک) برگزار می‌کند.

فرصت‌های تجارت و سرمایه‌گذاری در کشورهای عضو سازمان همکاری‌های اسلامی (OIC)<sup>۱</sup> و تأمین مالی تجاری، برخی از محورهایی است که در این نشست به آنها پرداخته خواهد شد.

این نشست به منظور فراهم‌سازی فرصت‌هایی نو برای هر دو طرف تجارت و سرمایه‌گذاری، مقامات رسمی مسئول در کسب و کار و تجارت خارجی، نمایندگان اصلی کسب و کار، انجمن‌های رسمی و آژانس‌های سرمایه‌گذاری و تجارت را گرد هم خواهد آورد.

همچنین این کنفرانس بستری عمومی را، برای بحث درباره امکان گسترش همکاری‌های بیشتر تجاری، اقتصادی و مالی بین جمهوری چک و کشورهای عضو در سازمان همکاری‌های اسلامی خلق خواهد کرد.

۱ OIC: Organization of Islamic Cooperation

### درس‌هایی از یک پرونده،

### پاسخ‌های رسیده و پی‌نوشت‌های نویسنده ...

**نویسنده: محمد صالح - ذوقی\***



چند هفته‌ای است که آقای محمد صالح ذوقی، مشاور ارشد دفتر خدمات مشورتی کمیته ایرانی ICC مقالاتی را تحت عنوان «درس‌هایی از یک پرونده» در بولتن هفتگی کمیته ایرانی ICC منتشر می‌کند. وی در این مقالات، مشکلات رایج و پیش روی تجار و بازرگانان را در معاملات بین‌المللی مطرح کرده و در انتها سؤالاتی از خوانندگان پرسیده و پاسخگویی به آن سؤالات را به عهده آنان می‌گذارد. متن زیر در ادامه تحلیلی می‌باشد که این کارشناس دفتر خدمات مشورتی کمیته ایرانی ICC به یکی از پرونده‌هایی که در قالب مقاله‌ای به آن پرداخته و سؤالاتی را در آن عنوان کرده است. توجه شما را به این پرونده به نقل از وی جلب می‌کنیم.

گفته بودم که انجام معاملات بین‌المللی، به ویژه در شرایط کنونی کشور که تحت تأثیر تحریم‌های سیاسی است، دل‌نگرانی‌های خاص خود را دارد. حال اگر عدم آگاهی واردکننده یا صادرکننده محترم ایرانی از ضوابط و مقررات حاکم بر این گونه معاملات و فقر دانش تجارت بین‌المللی را هم به این دل‌نگرانی‌ها بیافزاییم، نتیجه‌اش می‌شود پرونده‌ای با ویژگی‌های برشمرده در بولتن شماره ۲۵۲:

در شماره قبل ضمن درج نظرات رسیده و درج توصیه‌های کارشناسی، گفتیم که در این خصوص باز هم می‌نویسیم.

اکنون با توجه به تجربه‌های تلخ خریدارانی که با پرداخت وجه کالا بر اساس تقاضای فروشندگانی که سابقه و شناخت زیادی از آنان در دست نبود، و در نتیجه مواجه با عدم ایفای تعهدات، یا به عبارت روشن‌تر، سو استفاده از حسن نیت خریداران ایرانی شده و اقدام به حمل کالای بنجل و مغایر با مشخصات توافق شده در قرارداد یا پروفورم ارسالی نمودند، به روش‌هایی که بتواند ریسک‌های نهفته در دل این معاملات را تا حد معقولی کاهش دهد می‌پردازیم:

۱- منطق و اصول تجارت حکم می‌کند که در صورت عدم شناخت کافی از فروشنده، به ویژه اگر انتخاب فروشنده صرفاً بر اساس اطلاعات گرفته از اینترنت و وبسایت فروشنده بوده و فاقد سابقه معاملاتی قبلی است، بدون تحقیق و کسب اطلاعات تجاری و اعتباری فروشنده و اطمینان از حسن شهرت، تخصص و حرفه‌ای بودن وی اقدام به انجام معامله و پرداخت هرگونه وجه به صورت پیش‌پرداخت، راهی است خطا.

۲- ساده‌ترین و عملی‌ترین روش‌های تحقیق و جستجو در ارتباط با سوابق تجاری و پیشینه فروشنده نیز می‌تواند ترکیبی از اقدامات زیر باشد:

الف)- مراجعه به اتاق‌های مشترک بازرگانی و تقاضای دریافت اطلاعات تجاری از سابقه فروشنده ناشناس

ب)- مراجعه به بخش بازرگانی سفارتخانه کشور فروشنده در تهران و ملاقات رو در رو با وابسته بازرگانی سفارت، یا همان Commercial Attach

ج)- تماس با بخش بازرگانی سفارت ج.ا. ایران در کشور فروشنده و تقاضای اطلاعات تجاری و اعتباری از فروشنده

د)- اما مهم‌تر از همه مراجعه به بانک خود و تقاضای کسب اطلاعات تجاری و اعتباری فروشنده از طریق بانک کارگزار محل اقامت و فعالیت فروشنده، این اطلاعات می‌تواند و باید حداقل شامل اطلاعات زیر باشد:

- تاریخ ثبت تجاری و شماره و محل ثبت شرکت فروشنده
- میزان سرمایه ثبت شده و پرداخت شده
- تخصص مدیران و نوع فعالیت شرکت
- سابقه فعالیت تجاری و اطلاع از این که شرکت فعالیت تولیدی دارد یا صرفاً یک موسسه تجاری است
- میزان فروش و تولید سالانه و در صورت وجود ارقام ترازنامه و سود و زیان سالانه و سابقه فعالیت و داشتن حساب فعال با بانک

در شماره بعد باز هم در این خصوص صحبت خواهیم کرد.

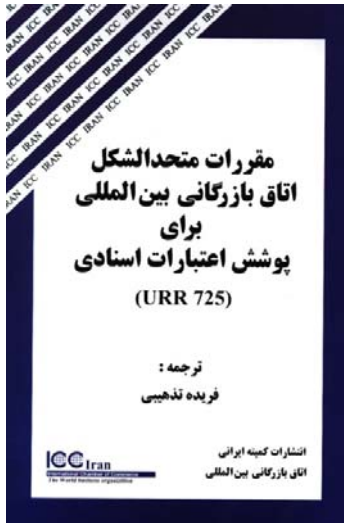
خوشحال می‌شویم که با ما تماس بگیرید:

[zoghi@icc-iran.com](mailto:zoghi@icc-iran.com)

\* مدیر ارشد، خدمات مشاورتی کمیته ایرانی اتاق بازرگانی بین‌المللی

## معرفی کتاب:

### مقررات متحدالشکل اتاق بازرگانی بین‌المللی برای پوشش اعتبارات اسنادی (URR 725)



کتاب مقررات متحدالشکل اتاق بازرگانی بین‌المللی برای پوشش اعتبارات اسنادی توسط کمیته ایرانی اتاق بازرگانی بین‌المللی (ICC) نشریه شماره ۷۲۵ اتاق بازرگانی بین‌المللی (ICC) است که فریده تذهیبی، دبیر کمیسیون بانکداری کمیته ایرانی، آن را ترجمه کرده و توسط کمیته ایرانی اتاق بازرگانی بین‌المللی (ICC) به چاپ رسیده است.

مقررات متحدالشکل پوشش اعتبار اسنادی ابتدا پس از معرفی UCP 500 توسط کارگروه ویژه در اتاق بازرگانی بین‌المللی با بررسی نظرات و بحث‌های متعدد در سال ۱۹۹۶ اجرایی گردید. این ضوابط که موضوع پوشش وجه اعتبارات اسنادی توسط بانک‌های کارگزار و نحوه پرداخت هزینه‌های بانکی را تدوین می‌نماید، باعث عدم اتلاف وقت بانکداران و تجار از برداشت‌های متفاوت اصطلاحات به کار رفته می‌گردد و همراه با "مقررات متحدالشکل اعتبار اسنادی" نشریه شماره ۶۰۰ یکی از کاربردی‌ترین ضوابط مدون اتاق بازرگانی بین‌المللی است. رئوس کلی بخش‌های این کتاب به شرح زیر است:

- الف- مقررات و تعاریف کلی (ماده ۱- کاربرد مقررات URR، ماده ۲- تعاریف، ماده ۳- مجوزهای پوشش در مقابل اعتبارات)
- ب- تعهدات و مسئولیت‌ها (ماده ۴- قبول مطالبه پوشش، ماده ۵- مسئولیت‌های بانک گشایش‌کننده اعتبار)
- ج- شکل و نحوه ابلاغ مجوزهای پوشش، اصلاحیه‌ها و مطالبات (ماده ۶- صدور و دریافت مجوز پوشش و اصلاحیه پوشش، ماده ۷- انقضای مهلت مجوز پوشش، ماده ۸- اصلاح یا لغو مجوز پوشش، ماده ۹- تعهد پوشش، ماده ۱۰- معیارهای مطالبه پوشش، ماده ۱۱- انجام امور مربوط به مطالبات پوشش، ماده ۱۲- مضاعف شدن مجوز پوشش)
- د- مقررات متفرقه (ماده ۱۳- قوانین و عرف خارجی، ماده ۱۴- عدم قبول مسئولیت در مورد پیام‌های مخابراتی، ماده ۱۵- فورس ماژور، ماده ۱۶- هزینه‌ها، ماده ۱۷- مطالبات مربوط به بهره / کاهش ارزش)

این کتاب دارای متن دو زبانه فارسی و انگلیسی مقررات URR 725 در ۴۷ صفحه و ۲۰۰۰ نسخه تجدید چاپ شده است.



## دولت، آزمایش توسعه در ترکیه و ایران در گفت‌وگوی محمدمهدی بهکیش با فیروز دولت‌آبادی



«ماهنامه مهرنامه» در شماره ۳۴ خود، گفت‌وگویی را بین «دکتر محمد مهدی بهکیش»، اقتصاددان ایرانی و به تعبیر «مهرنامه»، اقتصاددان مدافع بازار آزاد و آشنا با روند توسعه ترکیه، با «فیروز دولت‌آبادی»، عضو سابق هیئت رئیسه اتاق ایران و سفیر اسبق ایران در ترکیه ترتیب داده است. در این گفت‌وگو روند توسعه ترکیه و تحولات بسترساز آن در دو حوزه اقتصاد و سیاست مورد بررسی قرار گرفته و در انتها، با توجه به نتایج به دست آمده، عدم پیشرفت ایران را با الگوبرداری از این مدل واکاوی شده است. در ویژه‌نامه مقالات اقتصادی، شماره ۷- ضمیمه بولتن هفتگی کمیته ایرانی، شماره ۲۱، متن کامل این میزگرد از نظرتان می‌گذرد.

## آزادسازی در بستر اسلامگرایی

### توسعه در ترکیه و ایران در میزگردی با حضور محمدمهدی بهکیش و فیروز دولت‌آبادی

ماهنامه مهرنامه - (مرداد ماه ۱۳۹۱)

میزگردی با حضور دکتر محمد مهدی بهکیش و فیروز دولت‌آبادی

با این هدف که روند توسعه در کشور ترکیه را بررسی کنیم، میان محمد مهدی بهکیش و فیروز دولت‌آبادی قرار گفت و گو می‌گذاریم. اولی اقتصاددانی مدافع بازار آزاد است که با روند توسعه در ترکیه آشنایی دارد و دومی قریب به ۸ سال سفیر ایران در ترکیه بوده است. هر دو اما پیشینه‌ای مشترک هم دارند. در اوایل دهه ۷۰ که اکبر هاشمی رفسنجانی با رویکرد اقتصاد آزاد سعی در اجرای برنامه‌های توسعه در ایران داشت، هر دو در اتاق بازرگانی مسئولیت داشتند. دولت‌آبادی عضو هیأت رئیسه اتاق ایران بود و بهکیش دبیرکلی اتاق ایران و اتاق بازرگانی بین‌المللی را بر عهده داشت. در اواخر دهه ۷۰ فیروز دولت‌آبادی به عنوان سفیر ایران به استانبول رفت اما بهکیش هم چنان در اتاق بازرگانی ماندگار شد و این گونه بود که دو همکار قدیمی پس از سال‌ها با یکدیگر مواجه شدند. پس از آن گفت و گو با طرح پرسش آقای بهکیش در مورد نسبت دین با توسعه آغاز شد و تا موضوع فردگرایی و احترام به حق مالکیت خصوصی در ترکیه ادامه یافت.

\*\*\*

**مهرنامه:** آقای دکتر بهکیش مطالعات زیادی روی اقتصاد ترکیه داشته‌اند و آقای دولت‌آبادی هم با توجه به حضور چند ساله به عنوان سفیر ایران در ترکیه، بر تحولات سیاسی این کشور اشراف دارند. پس می‌توان از هر دو حوزه سیاست و اقتصاد کشور ترکیه، روند توسعه این کشور را بررسی کرد. اما لازم است مسیری را در پیش گیریم که در پایان بتوانیم چند نتیجه از این میزگرد استخراج کنیم. نکته اول برپایه مطالعات دکتر بهکیش است که به بررسی تاثیرات چپ‌گرایی بر روند توسعه در ترکیه و متقابلاً ایران می‌پردازد و این که چطور چپ در ترکیه مانع توسعه نشد ولی در کشور ما همیشه بر سر راه توسعه قرار گرفت. نکته دوم هم به بررسی عامل مذهب و نسبت آن با توسعه در ترکیه و مقایسه آن با ایران برمی‌گردد. نکته سوم اما معطوف به تحولات سیاسی ترکیه است که آقای دولت‌آبادی با توجه به حضور طولانی در این کشور که همزمان با تحولات اساسی بود، می‌توانند ما را به دستاوردها و همچنین چالش‌های مدل توسعه در ترکیه برسانند. تا در نهایت با بررسی این روند به ترکیه جدید برسیم که اکنون در منطقه نقش‌آفرینی بسیار دارد و در کنار رشد اقتصادی مناسبی توانسته توسعه سیاسی خوبی هم داشته باشد.

**بهکیش:** در گام اول باید این نکته را گوشزد کنم که ترکیه برای ایران خیلی مهم است. ایران هم برای ترکیه اهمیت بسیار بالایی دارد. این اهمیت تنها در مسائل سیاسی خلاصه نمی‌شود. مساله مهم امروز این است که ایران نباید ترکیه را در معادلات خود کمرنگ یا ضعیف کند. در هر صورت انتخاب چنین سوژه‌ای برای بحث و تبادل نظر انتخابی هوشمندانه است اما با توجه به مسائل سیاسی بین دو کشور ایران و ترکیه، اظهارنظرها و همچنین برداشتها نباید مصادره به بحث‌های سیاسی شود.

من گفت‌وگو را با یک مقدمه شروع می‌کنم. من روی توسعه اقتصادی ترکیه کار کرده‌ام. در بررسی این روند دو مورد برای من به عنوان مساله مطرح بوده است. مورد اول به مساله دین و سکولاریسم در ترکیه برمی‌گردد. بعد از روی کار آمدن کمال پاشا یا آتا تورک به معنی پدر ملت، در سال ۱۹۲۰ و پیروزی بر انگلستان، سکولاریسم وارد ترکیه می‌شود و در مدت زمانی طولانی جای خود را خوب باز می‌کند. به ترتیبی که می‌توان گفت سکولاریسم در ترکیه نهادینه می‌شود. زیرا بعدها که مذهبی‌ها یعنی اول حزب رفاه و فضیلت و بعد عدالت و توسعه روی کار می‌آیند تعامل خوبی با سکولاریسم یعنی جهان غرب دارند. من این موضوع را خوب نمی‌توانم درک کنم که چطور می‌شود که این اتفاق در ترکیه می‌افتد و چرا ما نتوانستیم این کار را کنیم. مورد دوم این است که تحول اقتصادی در ترکیه که به طور جدی با دکتر کمال درویش آغاز می‌شود در بستر اندیشه چپ اتفاق می‌افتد یعنی در دوران حاکمیت طولانی حزب جمهوری خواه خلق. آن هم در ترکیه‌ای که سال‌های سال احزاب چپ میانه روی کار بوده است. مساله این است که آیا زمینه چپ در ترکیه قوی بوده یا نه؟ چون احزاب چپ ترک پایدارتر و شاید قوی‌تر از هم‌تاهای خود در ایران بودند. ما یک حزب توده داشتیم که در دوره پهلوی کنترلش کردند. این دو مورد برای من مساله است. که اولاً مذهبی‌ها چطور توانستند با سکولاریسم کنار بیایند که ما نتوانستیم و ثانیاً چطور روی یک بستر چپ، آزادسازی اقتصادی صورت می‌گیرد. یعنی دو تناقض را می‌بینیم که هر دو در ترکیه موفق و در ایران ناموفق است.

**دولت آبادی:** ترکیه میراث‌دار امپراطوری عثمانی است؛ حتی فردی مثل آتاتورک که ظاهراً از علوی‌ها به شمار می‌رود. به همین دلیل است که جریان‌های سکولار در ترکیه که بیشتر علویون هستند او را در حد پرستش قبول دارند. به خاطر اینکه فشار حکومت دینی شریعت‌گرای اهل سنت را از سر آنها بر می‌دارد. اما چه لیبرال باشید و چه چپ و چه راست، خلاصی از میراث عثمانی بسیار دشوار است؛ و به همین دلیل است که حتی آتاتورک هم در سال ۱۹۲۴ مجبور به تاسیس سازمان دیانت می‌شود. وزن جامعه چند ده میلیونی که مسلمان بوده و به دلیل اعتقادات مذهبی‌اش قرن‌های متمادی جنگیده و حتی شکست‌اش به دلیل پایداری روی همین مواضع دینی بوده، آتاتورک را مجبور به این کار می‌کند. میراث اسلام‌گرایی در ترکیه باقی مانده و باقی می‌ماند. حتی اوزال در جناح راست‌گرا، کاملاً مذهبی بوده است. در فرایند طولانی سکولاریسم که از ۱۹۲۲ تا ۱۹۸۰ طول می‌کشد جامعه ترکیه نه اصالت‌های مذهبی‌اش، نه گرایش‌های مذهبی‌اش و نه پی‌گیری امور مذهبی‌اش را از دست نمی‌دهد.

**به‌کیش:** همین برای من سؤال است. این چه گونه مذهبی است که شما به هر کیوسک روزنامه‌فروشی که سر بزیند روی جلد مجلات عکس‌های کاملاً مغایر با شئون دینی و اسلامی - به تعبیر ما - می‌بینید؟ چطور شما می‌گویید که پایداری مذهبی در ترکیه وجود دارد؟

**دولت آبادی:** ببینید این مساله تا حدودی به ظواهر برمی‌گردد. اما در واقع از لحاظ پایبندی به آداب شریعت نسبت به اهل سنت متعصب‌تر هستیم. در سال ۱۳۵۰ در جشن هنر در شیراز که در واقع یکی از میانه‌روترین جوامع شهری ایران است، مردم با سنگ حمله می‌کنند و تئاتر را به هم می‌زنند چون خانمی نیمه‌عریان روی صحنه است. در حالی که در نگاه اهل سنت چنین اتفاقی نمی‌افتد چون اساس و اصالت به قدرت داده می‌شود و قدرت مبنای پذیرش هر چیزی است. وقتی قدرت با چیزی موافقت می‌کند، دین را در حاشیه‌اش نگه می‌دارند. روش اهل سنت این بوده است. شما در مصر هم صحنه‌های بسیار زنده‌ای ممکن است در بخش توریسم ببینید. در حالی که وقوع چنین صحنه‌هایی در ایران قبل از انقلاب هم غیرممکن بود. یعنی کسی به خودش اجازه نمی‌داد از این کارها بکند. این به دلیل آن پایبندی باطنی ما به دین است. نوع نگاه ما به دین با اهل سنت این تفاوت‌ها را دارد. آن‌ها نسبت به قدرت نوعی خضوع دارند. در حالی که در مذهب شیعه برعکس آن را می‌بینید. واکنش‌ها خیلی شدیدتر است. شما قدرت را تا مشروع نشود، نمی‌پذیرید. آنجا قدرت که حاصل می‌شود مشروعیت ایجاد می‌کند. اصلاً عامل مشروعیت قدرت است. شما نظرات فقهای این هزار سال اخیر را که ببینید در نزد اهل سنت همه مبنای مشروعیت را از قدرت می‌گیرند و خودشان را جدا می‌کنند اما باطن دین در ترکیه پایدار مانده و قوی هم هست. جریان‌ات

سکولار، لیبرال و فراماسونر در ترکیه خیلی هم قوی بوده‌اند اما آثار شکست سیاست‌هایشان هم روشن شد. شما از دوره کمال آتاتورک تا انقلاب اسلامی ایران واقعا چه پیشرفت‌های اقتصادی در ترکیه می‌بینید؟ تقریبا صفر.

**بهکیش:** بله. بسیار محدود است.

**دولت آبادی:** خیلی محدود است. ترکیه در این دوران از لحاظ سیاسی از ما توسعه یافته‌تر می‌شود.

**مهرنامه:** البته تجربه دموکراسی، در ترکیه تجربه سنگینی است. کودتاها و اعدام‌های بعد از آن نشان‌دهنده این پرهزینه بودن این تجربه در ترکیه است.

**دولت آبادی:** بله. خیلی سنگین است ولی ساختار سیاسی در آنجا به دو دلیل نسبت به ایران بهتر شکل گرفته است. اول به دلیل این که نظام ترکیه جمهوری بود که فضا را بازتر می‌کرد در حالی که ما رژیم شاهنشاهی داشتیم. از طرفی چون اساسا ساختار قدرت چیزی عرضه نمی‌کرده مجبور بوده تا حدودی رقابت‌های سیاسی را بپذیرد. دلیل دوم این که ترکیه در حوزه ناتو قرار داشته است. بر اساس منشورهای جنگ سرد نقطه تلاقی درگیری بین شرق و غرب ترکیه بوده است؛ عامل استقرار سپر موشکی در ترکیه است. در منشورها جنگ سرد بین ابرقدرت‌ها که جنگ معنی ندارد چون منجر به نابودی جهان می‌شود. همین ورود هر یک از قدرت‌های درجه دوم به جنگ منجر به دخالت قدرت بالاتر و در نهایت جنگ جهانی و نابودی می‌شود. لذا جنگ سرد به جهان سوم می‌آید. در جهان سوم امکان کودتا در رقابت‌های سیاسی و عملیات نظامی آزاد بوده است. برای همین جنگ‌های زیادی توسط غربی‌ها بر علیه منافع شرق یا بر عکس به راه افتاده است. بر روی نقطه‌ای هم با یکدیگر توافق می‌کنند که اگر قرار شد درگیری اتفاق بیفتد آنجا باشد. خوب مایل نبودند که این نقطه در اروپای غربی باشد. روس‌ها هم مایل نبودند که منطقه‌ای در نزدیکیشان باشد. لذا روی ترکیه توافق می‌کنند. ترکیه در واقع قربانی رقابت‌های اصلی قرار گرفت. به همین دلیل ساختار قدرت که مجبور بوده با ناتو کار کند و باید حداقلی از تحولات و توسعه سیاسی را دارا می‌بود. من بخش اول و سوال شما را این طور می‌توانم پاسخ بدهم که دیانت در ترکیه یک ریشه تاریخی دارد که نمی‌تواند از آن جدا شود.

**بهکیش:** پس مذهب ترک‌ها می‌تواند با سکولاریسم کنار بیاید. یعنی نوع مذهب در ترکیه با مثلا مذهبی که در عربستان وجود دارد متفاوت است. مذهب تسنن در ترکیه با آن چه در عربستان دیده می‌شود تفاوت‌های بسیاری دارد. حالا مساله این‌گونه تغییر می‌کند که این کنار آمدن با سکولاریسم بعد جدیدی از مذهب تسنن بوده یا نه واقعا مرتبط با علوی بودن آن می‌باشد؟

**دولت آبادی:** بعد جدید نیست. ریشه عمیقی دارد. ببینید اسلام از ایران به ترکیه رفته است. اسلام در ایران به دلیل وجود مذهب شیعه نمی‌تواند با سکولاریسم کنار بیاید. عثمان بنیانگذار سلسله عثمانی پسر اسماعیل رئیس یک قبیله ایرانی است که از خراسان کوچ می‌کنند و به دربار سلاجقه می‌آیند. مذهب اینها سنی است و کاملا میانه‌رو هستند. به پیشینه تاریخی‌شان نگاه کنید. روابط اهل سنت با شیعه در خراسان روابط کاملا صمیمانه‌ای بوده و هست. این قبیله با مذهب حنبلی که اکنون هم در ترکیه اکثریت دارد و خیلی نرم‌تر از مذاهب دیگر است، در سرزمین ترکیه امروزی ساکن می‌شوند.

**بهکیش:** حال ایرانی بودنش خیلی مهم نیست. مهم این است که اسلامی در آنجا مداومت پیدا کرده که با سکولاریسم که قانون جاری دنیای امروز است سازگاری دارد و با اقتصاد لیبرال هم‌ساز است.

**دولت آبادی:** شکست در جنگ جهانی دوم و تجزیه را هم مدنظر قرار دهید. وقتی همه باورها یکباره فرو می‌ریزد جامعه آماده پذیرش خیلی از چیزهای جدید می‌شود. از جمله همین است که می‌شود مذهب را منعطف کرد. ضمنا به هر حال این از قابلیت‌های دین اسلام است که می‌تواند در شرایط سخت هاله‌ای را دور خودش بکشد و خودش را حفظ کند تا بعد بتواند مجددا سر بلند کند. این اتفاق در تاریخ شیعه هم مکررا رخ داده است. از طرفی همه انسان‌ها تغییر می‌کنند. مذهب هم از کلیت جامعه خط می‌گیرد. جوامع خیلی زیادی را سراغ داریم که تسلیم شدند و چیزهایی را پذیرفته‌اند که باور نداشته‌اند.

**بهکیش:** این همزیستی که ترک‌ها توانستند در مذهب و سکولاریسم پیدا کنند یکی از پایه‌های بسیار مهم تحول بعدی آن کشور به حساب می‌آید؛ زیرا همین انعطاف است که اجازه می‌دهد روی یک بستر نسبتاً چپ، لیبرالیسم اقتصادی پیاده شود و منجر به رشد بالایی در اقتصاد ترکیه گردد.

**دولت آبادی:** ببینید چپ در ترکیه به مفهوم کمونیسم نبود و سوسیالیسم در ترکیه آنقدر هم قوی نبوده است. همان طور که می‌بینید ترک‌ها همیشه دشمن روسیه بوده‌اند. چپ به این مفهوم هیچ وقت قدرت نداشته یعنی قدرتمندترینشان «بولنت اجویت» بوده است. این‌ها به مفهومی که مطرح است کمونیست نبودند. یعنی توسعه اقتصادی ترکیه، اساساً روی بستر چپ نبوده است. «تورگوت اوزال» تعلق خاطری به جریان چپ نداشته و رهبر جناح راست و حزب راه راست است. ضمناً تأثیرات انقلاب اسلامی را هم ندیده نگیرید. انقلاب اسلامی شرایطی را فراهم کرد که نقش ترکیه در معادلات منطقه‌ای و جهانی تغییر کرد. وجود ترکیه‌ای با اقتصاد عقب افتاده و متمرکز بر روی بخش نظامی با یک ساختار سیاسی نسبتاً بازتر در دوره شاه قابل تحمل بود. چون ترکیه از نظر غربی‌ها کشوری بود که نباید به رشد و توسعه می‌رسید به این دلیل که دستیابی به رشد و توسعه پایدار برای غرب همیشه یک خطر بوده است. کما اینکه غربی‌ها بعد از صلاح الدین ایوبی همیشه نسبت به ترک‌ها موضعی منفی دارند و سعی می‌کنند ترکیه را در یک حالت نامناسب نگه دارند. رابطه‌ای که ظاهرش دوستی است ولی باطنش تجزیه، درگیری و بحران نظامی است. برای اینکه می‌گویند ترکیه این پتانسیل را دارد که کاری علیه ما انجام دهد. رویای عثمانی را نه از این ترک‌ها، نه از ترک‌هایی که در سال ۱۹۲۲ شکست خوردند و نه از نسل‌های بعدی‌شان نمی‌توانید بگیرید. ما خودمان بعد از دو هزار سال میراث گذشته را اصلاً فراموش نمی‌کنیم. قدرت‌ها نمی‌خواستند ترکیه توسعه پیدا کند. حتی امریکایی‌ها صندوقی راه‌اندازی کردند تا ترکیه را دائماً در شرایط بحرانی نگه دارند. این شرایط تا آغاز مساله هسته‌ای ایران ادامه یافت. اما شروع این مساله از نظر امریکایی‌ها یک فصل الخطاب بود. چون دیگر امکان اینکه با ایران بتوانند از موضع بالا سخن بگویند، منتفی شد. در این شرایط تحولات ترکیه به پایداری اقتصادی و سمت ثبات ارز می‌رود. این توسعه گسترده در ترکیه به این دلیل است که مرکز توجه تغییر می‌کند؛ چون دیگر نمی‌دانند می‌توانند روی ایران به عنوان یک شریک گوش به فرمان، حساب کنند.

**بهکیش:** یعنی جایگزین درست می‌کنند؟

**دولت آبادی:** به دنبال این هستند که حداقل بین ایران و ترکیه توازن قوا ایجاد کنند. چون ایران پتانسیل بسیار بالایی دارد. نفت و گاز دارد و این ظرفیت بسیار زیادی به ایران می‌دهد. اما اگر ترکیه نتواند پا به پا بیاید غرب هم پایگاهی هم ندارد. در منطقه هیچ کشوری وجود ندارد که قابلیت داشته باشد تا نقش نقطه تعادل استراتژیکی ایران را ایفا کند. عربستان و عراق که نمی‌توانند. تنها کشوری که تاحدودی این قابلیت را دارد ترکیه است. برای همین مدل کار با ترکیه هم کاملاً تغییر پیدا کرد و شما آن شناوری سیال عجیب و غریب میلیون‌ها دلار را می‌بینید. منابع صندوق بین‌المللی پول خیلی راحت به ترکیه می‌آید. حجم سرمایه‌گذاری اروپایی‌ها یک‌دفعه مثلاً از سیصد میلیون دلار به ۱۰ الی ۱۲ میلیارد دلار بالغ می‌شود. امریکا هم با سرمایه‌ای معادل یک سوم اروپا در ترکیه سرمایه‌گذاری می‌کند. سهمیه‌های وسیعی در بازار منسوجات، مواد فلزی و شیمیایی به ترکیه داده می‌شود. تخصیص بازارهای تفکیک شده صادراتی به ترکیه و وام‌های صندوق بین‌المللی پول با نرخ پایین نشان می‌دهد که یک فرایند جهانی برای تثبیت وضعیت اقتصادی آن صورت گرفته است. نوعی بسیج همه جانبه در بستر راست شروع به فعالیت می‌کند. اما ما در ایران با ایده جریانات چپ جلو آمدیم که حاصل و میراثش از لحاظ اقتصادی تقریباً صفر است. در ترکیه غیر از نیروی انسانی پتانسیل اقتصادی دیگری برای توسعه وجود ندارد. یعنی تنها راهی که می‌ماند، شناوری نرخ ارز، آزادسازی تجارت، خصوصی سازی و حرکت در این راه‌ها است. البته در این بستر واقعاً مردم ترکیه صبور، کم توقع و مطیع بودند و خیلی به کشورشان کمک کردند تا بتواند آن بحران را پشت سر بگذارد.

**بهکیش:** به نظرم می‌آید که شما از عواملی مختلفی یاد می‌کنید که موجب انعطاف‌پذیری مذهب در ترکیه شده است و در نتیجه بستر فرهنگی مناسب برای توسعه را فراهم آورده است. اما از دید من تغییرات در رویکرد غرب به ترکیه به خاطر برنامه هسته‌ای ایران نبود. به نظر من تعادل منطقه‌ای بسیار مهم‌تر بود. به خصوص بعد از این‌که جنگ عراق تمام شد و قدرت ایران تثبیت گردید. ضمن این‌که عراق هم پا برجا ماند. در نتیجه لازم بود، یک فرایند منطقه‌ای شروع شود تا اینکه بتواند یک تعادل جدید سیاسی - اقتصادی در منطقه به وجود آورد. ترکیه از دید اقتصادی شرایط بهتر و موقعیت مناسب تری نسبت به دیگران داشت. به همین دلیل قدرت‌های غربی به ترکیه کمک کردند و سعی کردند تا ترکیه جدید را پا برجا کنند. اما در مقام قیاس دو کشور از منظر توسعه، معتقدم که اتفاقات ترکیه نمی‌تواند در ایران پیاده شود. اول این‌که به نظر می‌رسد مذهب ما هنوز آن همخوانی با لیبرالیسم متعارف دنیا را ندارد. پس آن آشتی که ترک‌ها بین مذهبشان با سکولاریسم ایجاد کردند در ایران نمی‌تواند روی دهد. دوم این‌که اقتصاد آزاد غربی که ترکیه خیلی راحت آن را پذیرفت در ایران پذیرفته نمی‌شود.

**دولت‌آبادی:** از نظر من مساله اصلا بحث همزیستی مذهب و سکولاریسم نیست. ما در صحنه عملی سیاست مشکلاتی داریم که متأسفانه بر جنبه‌های نظری غلبه پیدا کرده است. باید تغییر نظری مبنای رفتار عملی باشد. در مذهب شیعه اساساً آن‌گونه که در تاریخ آمده، امکان همزیستی گوناگون بین گروه‌های اجتماعی چه به لحاظ عقیدتی و چه به لحاظ سیاسی کاملاً فراهم است. ما قبل از انقلاب که ایدئولوگ‌های بزرگ‌تری مثل شهید بهشتی، شهید مطهری و مرحوم شریعتی داشتیم اصلاً احساس نمی‌کردیم که اگر اسلام غلبه کند و مذهب شیعه حاکمیت پیدا کند ممکن است یک فضای بسته خیلی سیاسی ایجاد شود. اتفاقاً به فضای بازتری فکر می‌کردیم. مثلاً شهید مطهری طرفدار این بود که ما کرسی مارکسیست شناسی بگذاریم و از شوروی دعوت کنیم که بیایند و درس بدهند. حتی شما سال‌های اول پیروزی انقلاب اسلامی فضای باز را کاملاً می‌دیدید. البته جریان‌های چپ در ایران همانطور که عرض کردم همه آن‌ها وابسته به آمریکا بودند. به غیر از حزب توده که سابقه روشنی در وابستگی به شوروی داشت، بقیه چپ‌ها سابقه جاسوسی آمریکا را داشتند. این لطمه خیلی زیادی به ما زد. در حالی که در ترکیه جریان چپ اصالت داشت. آن‌ها برای ملیت و ملی‌گرایی اهمیت قائل بودند. بینش در اقتصاد و سیاست مشخص بود اما وطن فروش نبودند.

لطمه بزرگ دیگری که زده شد اقداماتی است که آمریکایی‌ها تحت پوشش کودتا در ایران خواستند انجام دهند. این امر باعث شد که فضای امنیتی ایران نسبت به جریان‌های سیاسی در داخل حساس‌تر شود و آن را محدودتر کند. و در نهایت فشارهای تحریمی و مسائل جانبی دیگری هم ایجاد شد که البته هیچ کدام تصادفی نبود. بعد هم مشخص شد کسانی مثل مطهری، بهشتی و هاشمی‌نژاد که عناصر خیلی بزرگی بودند ترور می‌شوند. بقیه ایدئولوگ‌هایی هم که داشتیم، چنین ظرفیتی نداشتند یا به دلیل عدم درک شرایط نتوانستند فضا را درست رهبری و مدیریت کنند و خودشان هم حذف شدند. به نظر من مذهب شیعه این ظرفیت را کامل دارد. احتیاج هم به سکولاریسم ندارد.

**بهکیش:** یعنی بستر فرهنگی و مذهبی ما خودش آمادگی درونی برای تطبیق با توسعه از مسیر اقتصاد آزاد را دارد. اگر این چنین است پس چرا عمل نمی‌کند و کشور هم چنان درگیر پیاده کردن اصل ۴۴ قانون اساسی است؟

**دولت‌آبادی:** تاریخش این است. مذهب شیعه در بستری از محدودیت رشد کرده و این نقض غرض است که این مذهب محدودیت درست کند. اگر محدودیت‌هایی ایجاد شده به دلیل حاکم شدن مسائل امنیتی است. اگر مسائل امنیتی برداشته شود و نگرانی‌ها برطرف شود، بازار می‌تواند کار کند. از نظر من مذهب شیعه و اسلام این ظرفیت را دارد. در صدر اسلام در رم و ایران محدودیت‌هایی وجود داشت که باعث می‌شد برخی افراد به مناطق اسلامی بیایند تا احساس امنیت داشته باشند. شما دفاعیات سقراط را بخوانید. می‌گوید من کجا می‌توانم فرار کنم. باید به دربار ایران بروم. بزرگان و اندیشمندانی که به دنبال فضای باز و آزاد می‌گشتند به جهان اسلام می‌آمدند. سلمان به چه دلیلی به عربستان رفت؟ چون اینجا فضا خفکان بوده است.

آنجا فضای باز را احساس می‌کرده است. آنجا بود که جرایم هر جرمی از قبل روشن بود و کسی نگرانی نداشت که با نظر شخصی در موردش قضاوت شود. این فضاها در اسلام بوده و بعد از این هم می‌تواند باشد. باید فضای امنیتی را کمی دور کنیم و آرامش پیدا یابیم و این ظرفیت داخل ما است. ما الان در حوزه علمیه فقه اهل سنت هم تدریس می‌کنیم. منتها تبلیغش نمی‌کنیم. این از اشتباهات ما است. کاری که مرحوم بروجردی کرد، باید دیگران هم بکنند.

از طرف دیگر ما تحت تاثیر فضای اولیه پیروزی انقلاب، واکنش‌های منفی نسبت به جریان سرمایه‌داری و سرمایه‌داری وابسته در ایران داشتیم. این واکنش‌ها در کنار فشار چپ ما را به این مسیر هدایت کرد که بعد جنگ هم به آن دامن زد. بعد از جنگ محدودیت‌هایی که در ابتدای دوره کار آقای هاشمی فراهم شد. مشکلات اقتصادی که بروز کرد. این‌ها همه شرایطی را فراهم کردند که ما حرکتی دولتی را بیشتر تقویت کنیم. برای اینکه کشور مسوولیت بیشتری نسبت به مردم حس می‌کرد. در دوره آقای خاتمی دوره آرامش خیلی خوبی داریم. دوره‌ای که وزن دولتی اقتصاد اضافه نمی‌شود در حالی که اقتصادمان خیلی بزرگتر می‌شود. در این دوره شاهد ورود سرمایه هستیم. سرمایه گذاری خصوصی تشویق می‌شود. شرایطمان خیلی بهتر می‌شود. یعنی هر زمان که ما آرامش داریم میل به این فعالیت خیلی مثبت و بهتر است. البته در دولت نهم و دهم از لحاظ اقتصادی ما یک عقبگرد داشتیم که لطمه زیادی هم به ما زده است. شرایطی ایجاد شد که مجبور شدیم توسعه دولتی را بیشتر کنیم و بسترهای اقتصادی را نتوانیم به راحتی فراهم کنیم. در کشور ما برخلاف ترکیه دیوان‌سالاری مقاومت خیلی زیادی دارد. حتی با این که مقام معظم رهبری اصل ۴۴ را ابلاغ کردند و اجازه فعالیت دادند اما دیوانسالاری ما هنوز آمادگی ندارد. هنوز جریان سرمایه در ایران یک جریان منفی و مزمومی است. خیلی نمی‌شود با آن مثبت برخورد کرد. ما مسیر سختی را پیش رو داریم و شکست برنامه‌های اقتصادی دولت نهم و دهم به این سختی دامن می‌زند. ما احتیاج به یک دوره آرامش داریم.

**به‌کیش:** از نظر من برای توسعه پایدار بستر فرهنگی مناسب بسیار بااهمیت است؛ که شما معتقدید آن قدرها هم مهم نیست. از دید من سازگاری مذهب با سکولاریسم اهمیت بالایی دارد. زیرا در آن بستر اقتصاد آزاد راحت‌تر پیاده می‌شود. این گونه است که اقتصاد آزاد در مسیر توسعه به نرخ‌های رشد بالایی دست پیدا می‌کند. البته قبول دارم که غرب هم به دلایل سیاسی و اقتصادی پشت جریان ترکیه بوده است و به پیشبرد آن کمک کرده است. ولی ما می‌دانیم که محور اقتصاد لیبرال فردگرایی است که آن را خلیفه روی زمین هم می‌نامیم. یعنی لازمه پیاده‌سازی اقتصاد آزاد احترام به مالکیت فردی است. در فلسفه اقتصاد لیبرال جمع وجود ندارد. هر چه هست ناشی از فرد است. احترام به حقوق و مالکیت فرد، احترام به حقوق جامعه و بشر را به دنبال می‌آورد. از این دید که به تاریخ ترکیه نگاه می‌کنم، می‌بینم کودتاهای بسیار زیادی در ترکیه صورت گرفته و حاکمان تغییر کرده‌اند ولی مال و اموال کسی مصادره نشده است. یعنی احترام به فرد و فردگرایی در ترکیه خیلی بیشتر و ریشه‌ای‌تر از ایران شکل گرفته است. یعنی آنچه که به عنوان مبنای اقتصاد آزاد و رشد و توسعه اقتصادی باید وجود داشته باشد در ترکیه بسیار بیشتر از ایران بوده است. شاید دلیل آن خلع قدرتی است که نزدیک به یک هزار سال تا دوران صفویه در ایران وجود داشته ولی در ترکیه این چنین نبوده است.

**دولت‌آبادی:** سخن شما به لحاظ واقعیت‌های موجود صحیح است. علتش این است که یک نظام بر علیه خودش کودتا نمی‌کند. یک نظام بر علیه جریاناتی که فکر می‌کرده مغایر اهداف سیاسی‌اش است اقدام کرده است. یعنی در واقع چه کودتای اول و چه کودتای دوم هیچ کدام حرکتی بر علیه نظام حاکم نبوده است. هر دو اقدامی که صورت گرفته اساس آن این بوده است که رشد اسلام‌گرایی را در ترکیه متوقف کند. نه اقتصاد موضوعش بوده و نه مفاهیم اجتماعی دیگری نه اصالت خود نظام سیاسی هدف بوده است. در دو مقطع جریانی را که در حال پرورش دادن بخش عقیدتی یا ایدئوژیک بوده و آن را وارد سیستم می‌کرده با کودتا برداشته اند. کل جریان سرمایه‌ای و کل جریان سیاسی در ترکیه در آن مقاطع همراه این حرکت بوده است.

**بهکیش:** اگر بخواهیم این اصالت را مقایسه کنیم آن را چگونه می‌بینید؟ توجه و احترام به مالکیت فردی و فردگرایی اصولاً در کدام یک از این دو بستر فرهنگی نمود بیشتری دارد و رعایت می‌شود؟ در بحث کنونی ما دو بستر فرهنگی متفاوت ایجاد شده است.

**دولت آبادی:** می‌دانید که در ایران به لحاظ نظری، مالکیت آنقدر در نظر شرع مهم است که کسی نمی‌تواند کوچک‌ترین اقدامی در تصرف اموال دیگران بکند. حتی آنجایی که رفتار ما در بعد قضایی مطابق با شرع بوده می‌بینید خیلی از اموالی که صادره شده بعد به صاحبانشان بازپس داده شده است. اموال را هم خوب نگهداری کرده‌اند و هزینه‌اش را هم پرداخت کرده‌اند.

**بهکیش:** ولی جریان غالب این نبوده است.

**دولت آبادی:** نظر من دیوانسالاری در ایران تمایل به این کارها نداشته است. حتی قوه قضاییه هم تحت تاثیر فشار دیوانسالاری بوده است. این باعث شده تا جریان‌های سیاسی منتقد تحت فشار قرار بگیرند.

**بهکیش:** یعنی جریان‌های غیرمذهبی درون انقلاب مذهبی ما قوی‌تر بوده؟ خب چرا این‌گونه شده که در یک بستر نظری که مالکیت این قدر برایش مهم است، جریان دیگری می‌آید و امور را قبضه می‌کند تا جایی که مالکیت عملاً بی‌احترام می‌شود؟

**دولت آبادی:** بی‌احترامی نیست. می‌خواهم بگویم که فقه شیعه از باب حکومتداری فقه ضعیفی است. ما قرن‌هایی طولانی از قدرت دور بوده‌ایم. لذا فقه ما از لحاظ حکومتی ضعیف است. شما سیر تطور نظریه ولایت مطلقه فقیه را هم ببینید کاملاً مشهود است. اول می‌گفتند ولایت فقیه، همان ولایت فقه است. همه چیز در فقه است و احتیاجی به چیز دیگری نیست. بعد دیدند خیلی از چیزها است که اصلاً در فقه ما موضوعیت نداشته و به تازگی ایجاد شده است. بعد سراغ احکام ثانویه رفتند. اما دیدند که آن هم نمی‌تواند پاسخگو باشد. بعد رسیدند به نظریه امام یا همان نظریه ولایت مطلقه و حالا همه می‌دانند که این حکومت است که مطلقاً می‌تواند بر پایه مصلحت قانون وضع کند. این مساله جا افتاده است اما در این فرایند خیلی‌ها براساس ضرورت یا مصلحت تشخیص خودشان تلاش کرده‌اند و در دوره بلندمدت فرهنگی سیاسی جامعه هم توانسته‌اند برنده شوند. چون که بستر دیوانسالاری و بستر اجتماعی با آن همراه بوده و کمک کرده است. یک نکته موکدا می‌گویم که به لحاظ نظری موضوع را با عملی مخدوش نکنیم یعنی از یک صحنه عمل یک نتیجه نظری نگیریم. از لحاظ نظری در ایران اتفاقات بسیار بهتری می‌توانست روی دهد. از لحاظ نظری حاکمیت و مالکیت صد درصد محترم است. کسی حق ندارد به مالکیت افراد تجاوز کند. کسب ثروت صد در صد آزاد است. اسلام روی مصرف ثروت نظر دارد. شما می‌توانید پول در بیاورید. اما حق ندارید پولتان را آتش بزنید. شما می‌توانید پول در بیاورید. اما حق ندارید کار حرام با آن بکنید. اما در صحنه عمل ما شکست خورده‌ایم. یعنی شکست خورده‌ایم. در ترکیه مالکیت محترم است چون اساساً جریان حاکمیت و هزار فامیل این کودتا را انجام داده است. مثلاً اردکان پولی نداشته است که بخواهند صادره‌اش کنند. اصلاً در این تحولات موضوع مالکیت نبوده است. یک تکه سیاسی را از نظر خودشان برداشته‌اند که تازه آن‌ها هم مدعی رفع مالکیت خصوصی نبودند. اردکان و طرفدارانش مدعی توسعه مالکیت خصوصی برای شرف بودند. اما در آنجا کنار این چیز دیگری هم اتفاق افتاد. میل رفتن به اتحادیه اروپا و پذیرفتن ضوابط و قراردادهای و نظارت آن باعث شده است که این موارد تقویت شود. هر حکمی را که دادگاه‌های ترکیه صادر کند، شهروندان حق دارند به کمیسیون قضایی اتحادیه اروپا مراجعه کنند و علیه آن حکم بگیرند. قوه قضاییه ترکیه از فاسدترین نهادهای قضایی دنیا در ده سال پیش بوده است. این مساله در تثبیت شرایط مالکیت فردی در ترکیه موثر بوده است. به نظرم ما بیشترین ضربه را از بینش دولتمردان در دولت خورده‌ایم. باز به کلیت نظام نیست. در کلیت نظام چنین چیزی را نمی‌بینیم. دولتمردان و دیوانسالاری ما بوده است که تمایل داشته هر فعالیت سودآوری را نزد خودش نگه دارد و این را عمل مثبتی در کارنامه خودش می‌دانسته است. مبانی نظری دولت در ایران بسیار ضعیف است. شان دولت در حد رفع حوائج اولیه سقوط کرده است. این تفاوت‌های ما با ترکیه است که البته به مبانی ربطی ندارد. ما در مبانی مشکلی نداریم. باید دولتمردان پخته تر و فرهیخته تری را تربیت کنیم.



**بهبekish:** در جمع‌بندی صحبت‌ها به سه نتیجه رسیدیم. نخست این که انعطاف مذهب در ترکیه به نفع توسعه عمل کرده ولی در ایران راهی متفاوت پیموده می‌شود. یعنی در ترکیه بستر فرهنگی مناسب و فراهم است که من آن را وامدار آشتی مذهب و سکولاریسم می‌دانم، ولی در ایران آن آزادی که شما به آن اشاره دارید هنوز ظهور نیافته است. دوم، بستر چپ در ترکیه است که جناح راست و اقتصاد بازار روی آن خیلی خوب توانسته پیاده‌سازی شده و بنشیند. اما در ایران به دلایل مختلف حاصل این بوده که اقتصاد بازار شکل نگرفته و نتوانسته از طریق افزایش بهره‌وری به اقتصاد ایران نفع برساند. سوم هم این که، فردگرایی هر چند به گفته شما از نظر تئوریک در ایران غنی‌تر و حفظ مالکیت محترم‌تر است ولی در عمل می‌بینیم که در ترکیه بسیار بهتر عمل شده است. این سه پایه بسیار مهم رشد توسعه است که در ترکیه وجود داشته ولی در ایران خیر. پس توسعه ما از چه مسیری باید اتفاق بیفتد؟

**دولت آبادی:** اعتقاد من این است که اگر کشوری دو اصل را داشته باشد، حتما مسیر توسعه‌اش فراهم می‌شود. اول آزادی‌های سیاسی و دوم رقابت اقتصادی است. از نظر من این دو ارکان توسعه پایدار هستند. آزادی‌های سیاسی فرصت نقد به همه جریان‌ها و فرصت تلاش برای قانع کردن مردم را می‌دهد. این باید آزاد باشد و کسی در آن دخالت نکند. دوم هم رقابت اقتصادی است. دولت وظیفه‌اش ایجاد ساز و کار برای توسعه رقابت است. چون در رقابت است که استعدادها بالقوه بالفعل می‌شود. رقابت اقتصادی است که همه پتانسیل افراد را بیرون می‌کشد. شما اگر رقابت اقتصادی را حاکم نکنید، و از طریق تزریق پول بخواهید روح رقابت از کشور و از فعالان اقتصادی بگیری، حاصلش این است. ما این دو تا رکن را نداریم. ایجاد رقابت اقتصادی وظیفه اصلی دولت و ایجاد فضای باز سیاسی وظیفه نظام و حاکمیت است. در ترکیه این دو در این ده سال، در دوره آقای اردوغان فراهم شد. اردوغان یک دولت منظم قاعده مند و مطیع قانون است که نسبت به دیگران حسود نیست. مدافعان اردوغان از طریق افزایش ظرفیت اقتصادی خودشان را بزرگ کردند نه از طریق حذف رقبایشان. به همین دلیل هم اقتصاد ترکیه را بزرگ کردند و هم خودشان بزرگ شدند. البته رقبایشان هم بزرگ شدند. ثروت هلدینگ‌های اصلی ترکیه، پدرخوانده‌های ترکیه، امروز نسبت به گذشته ده برابر شده است. اما مهم این است که اقتصاد ترکیه سی برابر بزرگ شده است.

**بهبekish:** هر دو موردی که اشاره کردید یعنی آزادی سیاسی و رقابت اقتصادی ریشه در سه عاملی دارد که مطرح کرده‌ام. حال اگر به مصداق نگاه کنیم در اتاق بازرگانی بین‌الملل هر دو سال یکبار یک کنگره برگزار و هر بار هم یک فعال اقتصادی را به عنوان بازرگان نمونه در این کنگره‌ها معرفی می‌کند. سال‌ها قبل یکی از جلسات این کنگره در دهلی نو برگزار شد که در آن یک پیرمرد ترک (آقای کوچ) را به عنوان بازرگان نمونه معرفی کردند. در آن زمان که حدود ۲۰ سال قبل بود، یاد می‌آید متوسط گردش مالی این بازرگان ترک تبار معادل سه و نیم میلیارد دلار بود. جالب این که در آن مقطع ترکیه بسیار فقیر بود. اما همین امروز که نگاه می‌کنم گردش مالی یک میلیارد دلاری هم در بخش خصوصی ایران نمی‌بینیم. پس اقتصاد ترکیه حتی قبل از این حرکتش هم بزرگ بوده است.

**دولت آبادی:** قبلا در ترکیه ۹ پدرخوانده وجود داشت. مثل آقای کوچ، آقای لوهان یا آقای دوهوچ. این‌ها افرادی از خانواده‌های سنتی ترکیه بودند که یا به جریان فراماسونری با سرمایه‌های سبز خارجی وصل بودند و اقتصاد سنتی ترکیه را در دست داشتند. اما در تحولات سیاسی این افراد را حذف نکردند و به آن‌ها فرصت دادند که ترکیه را به حرکت در بیاورند. وقتی تصمیم به توسعه شد، این افراد مسوولیت توسعه اقتصادی ترکیه را برعهده گرفتند. مثل همانکاری که در ژاپن صورت گرفت و بخش خصوصی مسوولیت پذیرفت. در ترکیه هم این افراد مسوولیت را پذیرفتند و توسعه اقتصادی را به پیش بردند. ما قبل از انقلاب می‌بینیم که خانواده خسروشاهی، خانواده لاجوردی، خانواده خیامی و دیگری بودند که اقتصاد در اختیارشان بود. این افراد بعضا وابسته به حاکمیت بودند و با هم افرادی بودند که در بازار کار کرده و بزرگ شده بودند. در فضای سیاسی هم نبودند و کسی با این افراد دعوا نداشت. اگر ما هم ساختارمان در اصول توسعه بود خیلی بیشتر و بهتر از ترک‌ها توسعه پیدا می‌کردیم. ما تحت یک فضای انقلابی بزرگ، با بینش‌های چپ زده شدید اقداماتی انجام دادیم و خسارت‌های به خودمان وارد

کردیم. در حالی که مثلا در انقلاب ما کشتن و اعدام اصلا قابل مقایسه با هیچ کدام از انقلاب‌های دنیا نیست. هنوز هم بدترین آمارها هم که می‌دهند مثلا می‌گویند هزار نفر. که درست و غلط آن زیر سوال است.

**بهبekیش:** نکته جالب برای من این است که از منظر نظری و تئوریک احترام به مالکیت در ایران و در اسلام خیلی قوی و پر قدرت است اما در عمل درست نقض آن در کشور ما اتفاق افتاد. همان بزرگانی که قبلا از آن‌ها نام بردید در زمان مصادره‌ها که در موارد بسیاری نقض مالکیت خصوصی بود، زنده و در قدرت بودند. ولی بیشترین تندوری‌ها و مصادره‌ها در همان زمان رخ داد. بزرگان چرا در برابر این مساله مقاومتی نشان ندادند؟ زیرا اگر اموال ناشی از فساد بود می‌بایست در دادگاه ثابت می‌شد.

**دولت آبادی:** ببینید موضوع کمی بحث برانگیز و متفاوت است که باید دقیق‌تر بررسی شود. برای مثال از نظر من شهید بهشتی در این جنبه‌ها کمتر صاحب رای بود اما از لحاظ مدیریت و اداره نهادها بیشتر صاحب تفکر و در جنبه‌های سیاسی خیلی فعال‌تر و بازتر بود. اما مجموعه این نیروها که رفتند لطمه خوردیم. اشتباهات قانون حفاظت که براساس آن مصادره‌ها صورت گرفت در دوران تدوین و توسط کارشناسان به عمد یا به سهو رخ داد. کسانی که این قانون را طراحی کردند دقیقا به نفع کسانی کار کردند که سرمایه کمتری از خودشان به جا گذاشته بودند. یعنی هر کسی که بیشتر به بانک‌ها بدهکار بود و سرمایه کمتری گذاشته بود بدهی‌اش به دولت واگذار شد. در مقابل کسانی که ثروت و دارایی بیشتری برجا گذاشته بودند و کار کرده بودند متضرر شدند. کارشناسان دقیقا عکس آن چیزی که باید می‌شد، عمل کردند. بالاخره فضای سیاسی که آماده بود به ما فرصتی برای بازبینی نداد. بعد هم رفتارها، جنگ و دولت‌هایی که عرض می‌کنم بدون توجه به شرایط اجتماعی و سیاسی و فرهنگی ایران کوشش کردند اقتصاد کشور را سرو سامان بدهند این‌ها همگی موثر بوده است. اقداماتی که تحت تاثیر فضای امنیتی نسبت به سرمایه و سرمایه داری شده بود. بدون ملاحظه پیامدهای آن تصمیمات بدی گرفته شد. شناخت ما از نهادهای مدرن و لازم برای توسعه اقتصادی مثل بانک‌ها خیلی محدود است. برای همین کسی که با بانک کار می‌کند همیشه در معرض خطری است. بنیان توسعه اقتصادی مدرن بر پایه کارکرد بانک‌ها است. فریدمن برای چه نوبل گرفته است؟ چون می‌گوید نقش سرمایه در توسعه اقتصادی به صفر می‌رسد. بانک‌ها با بهره یک درصد به شما وام می‌دهند در صورتی که قرض الحسنه ما ۴ درصد از شما می‌گیرد. ما هنوز از نظر من از لحاظ فهم مسائل مدرن اقتصادی از دنیا عقب هستیم. حوزه‌هایمان مشکل دارند و هنوز درگیر مقایسات سنتی هستند هنوز مسائل مربوط به بانک و به خصوص پول برایشان حل نشده است. تورم، تغییرات پایه پولی اصلا وارد حوزه‌های علمیه نشده است که بتوانند راجع به آن‌ها فکر و بحث کنند و تئوری‌های جدیدی بیاورند. تازه آرام آرام دارند بعضی از فقها با این مسائل آشنا می‌شوند. من بیشتر از همه مسوولیت را متوجه نهاد اجرایی کشور یا دولت می‌دانم. این‌ها بودند که فضاهای امنیتی را وارد حوزه اقتصاد کردند و هم به نهادهای امنیتی و هم به توسعه و رشد اقتصادی لطمه زدند. ضعف دولت‌ها باعث شد که برای جبران مشکلاتشان از این نهادها کمک بگیرند. به مبانی نظری نهادها و تاسیساتشان توجه نکردند و مشکلات زیادی برای اقتصاد کشور درست کردند. کشوری که ظرف هشت سال گذشته هفتصد میلیارد درآمد داشته که یک سالش معادل کل درآمد هشت سال قبل بوده است قادر نیست قیمت یک کالا را در حد هشت سال قبل نگه دارد. جمعیت که شصت برابر نشده است. خرج و مصرف که بالا نرفته است. در آمد هم که چند برابر شده است. حداقل انتظار از یک دولت است که قیمت‌هایش را در حد قیمت‌های سال قبل نگه دارد. مقصر را بیشتر نهادهای اجرایی می‌دانم. گرچه که نهادهای نظارتی یا قوای نظارت توجه می‌کنیم و یاد می‌گیریم اما اساس کار این است که دولتمردان مبانی نظری کار را نمی‌دانند و بیشتر از جنبه عملی وارد به مسائل می‌شوند.

**مهرنامه:** با توجه به مباحثاتی که صورت گرفت در چند مورد تفاوت‌هایی که می‌تواند عامل رشد اقتصادی ترکیه باشد تا حدودی مشخص شد و تفاوت آن پارامترها با آنچه در کشور ما وجود دارد نیز مورد بررسی قرار گرفت. اما اگر بخواهیم در مورد آینده ترکیه و وضعیت سیاسی و اقتصادی آن چشم اندازی داشته باشیم با توجه به شواهد و قرائن امروز چه می‌توانیم بگوییم؟

**بهکیش:** آنچه برداشت من است و حاصل این صحبت هم آن را تقویت می‌کند این است که ترکیه قدرت منطقه‌ای در آتیه خواهد بود. به عبارت دیگر ترکیه به خاطر مجموعه عواملی که دارد و اتفاقات هم به آن کمک کرده است، از نظر اقتصادی قدرت منطقه خواهد شد. در حالی که متاسفانه به نظر من هنوز در ایران شرایط برای توسعه پایدار نتوانسته شکل بگیرد. حالا اینکه توطئه بوده یا خودمان این کارها را کردیم بحث دیگری است ولی حاصل آن این است که فعلاً از نظر زیربنایی برای توسعه آمادگی کافی نداریم. البته برای تغییر این روند می‌توان راه‌حلهایی را مطرح کرد که موضوع بحث‌های دیگری است.

**دولت‌آبادی:** من زیاد به این موضوع مطمئن نیستم. اگر در سوریه رژیم بشار اسد تثبیت شود ظرف پنج شش ماه آینده ترکیه دچار یک بحران سیاسی بسیار حاد شده و مجدداً یک افت بسیار سنگینی خواهد داشت. البته پیش بینی من این است که نظام تثبیت می‌شود ولو این که بشار اسد خودش بماند یا در انتخابات جای خود را به فرد دیگری بدهد. این یک نکته خیلی مهمی است که باید به آن توجه کنیم. دولت اردوغان به دلیل سالم بودن توانست این مسیر را پیش ببرد. یعنی دولت فاسدی نیست و ضمناً عقل جمعی دارد. تئوری دولت ترکیه فقط بحث تئوری سیاسی و ژئوپولیتیک داود اوغلو نیست. این دولت در اقتصاد هم تووری دارد. تئوریسین‌های بسیار خوبی هم دارند. ولی اگر سوریه ضربه بخورد، محیط داخلی ترکیه بهم می‌ریزد. بهتر است که ترکیه زودتر پای خودش را از سوریه بیرون بکشد. چون اقتصاد ترکیه به صادرات تکیه دارد و رشدش القایی است. این نوع اقتصادها تحت تاثیر تحولات سیاسی و امنیتی خیلی زود لطمه می‌بیند. در مقابل اقتصاد ایران این ویژگی را دارد که اگر شتاب بگیرد سرعتش تقریباً هفت هشت برابر رشد و توسعه در ترکیه است. تولید ناخالص داخلی ما از ترکیه بالاتر بود. اما شرایط از دست رفت. تا این که چند سال قبل فکر کنم سال ۸۸ یا ۸۹ بود که ترک‌ها با افتخار اعلام کردند که تولید ناخالص داخلی ما از ایران پیشی گرفت.

**بهکیش:** بله و اکنون تولید ناخالص داخلی آن‌ها حداقل دو برابر ماست. سرانه تولید ناخالص ترکیه بر اساس PPP هم نزدیک به چهل درصد از ما بیشتر است در حالی که ما از آن‌ها بالاتر بودیم. این را هم اضافه کنیم که ترک‌ها نفت هم ندارند. اما اقتصاد جهانی شده و دیگر نقش سرمایه آنقدر هم نیست که قبلاً بود. منابع و ذخایر هم کاری از پیش نمی‌برند. امروز مهم سرمایه انسانی و فضایی است که در آن کار می‌کنیم که ترکیه از آن جهات بهتر از ما عمل می‌کند و طبیعی است که اقتصادش را هم به جلو می‌برد.